

## **Examining the concept of "Time" in the Holy Qur'an with emphasis on the use of the word "Day"**

**Yahia Jahangiri Sohravardi\***

**Nasim Teymouri\*\***

### **Abstract**

Understanding the problem of "time" has been one of the serious problems of mankind since long ago. Philosophers, physicists and theologians have tried to discover its truth and have presented various definitions. Exploring the meaning of this concept in a book whose creator carefully and wisely sent it down eternally, can be helpful in discovering the truth of the meaning of time. By analyzing the word "day" in verses 47 of Surah Hajj, 5 Surah Sajdah and 4 Surah Ma'arj, as well as verse 19 of Surah Kahf and verse 259 of Surah Baqarah, this research is trying to achieve the meaning of time in the expression of the Qur'an with a descriptive-analytical method. The analysis of the mentioned verses has verses on this topic that the passage of time is not the same in different situations and for different people. The discovery of this concept of the meaning of time can justify and rationalize the understanding of various theological issues, including resurrection, the possibility of a long and unusual life of some innocents (PBUH). This perception is strengthened when scientists find that there is as much time as there are movements in the universe - that every object has one movement.

**Keywords:** Theory of Relativity, Credit, Relativity of Time, Difference of Objects.

\* Level 4 social studies and PhD in Shia studies, international missionary (Corresponding Author),  
yahia.j.s@gmail.com

\*\* Level 4 comparative interpretation, Reasercher in Quran and Hadith, nasitey@gmail.com

Date received: 2022/10/25, Date of acceptance: 2023/02/07



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم با تأکید بر کاربست واژه «یوم»

یحیی جهانگیری سهروردی\*

نسیم تیموری\*\*

### چکیده

فهم مسأله «زمان» از دیرباز، یکی از مسائل جدی بشر بوده است. فیلسوفان، فیزیکدانان و الهی‌دانان برای کشف حقیقت آن کوشیده و تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند. کاوش معنای این مفهوم در کتابی که آفریننده‌اش به دقت و حکمت آن را جاودانه فرورسناده، می‌تواند در کشف حقیقت معنای زمان، یاریگر باشد. این پژوهش با واکاوی واژه «یوم» در آیات ۴۷ سوره حج، ۵ سوره سجده و ۴ سوره معارج و نیز آیه ۱۹ سوره کهف و آیه ۲۵۹ سوره بقره در تلاش است با روش توصیفی-تحلیلی به معنای زمان در بیان قرآن دست یابد. واکاوی آیات مذکور بر این مطلب اشعار دارد که گذر زمان در شرایط مختلف و بر افراد متفاوت یکسان نیست. کشف این مفهوم از معنای زمان، می‌تواند فهم مسائل مختلف الهیاتی از جمله معاد، امکان زیست طولانی و غیرعادی برخی از معصومین (ع) را موجه و منطقی سازد. این برداشت زمانی تقویت می‌شود که به یافته دانشمندان به تعداد حرکات در عالم - که هر شیء یک حرکت دارد - وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** قانون نسبیت، اعتباری، نسبیت زمان، اختلاف اشیاء.

\* سطح ۴ مطالعات اجتماعی و دکترای شیعه‌شناسی، مبلغ بین‌الملل (نویسنده مسئول)، yahia.j.s@gmail.com

\*\* سطح ۴ تفسیر تطبیقی، پژوهش‌گر حوزه قرآن و حدیث، nasitey@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

زمان از اهمیت زیادی در تدبیر امور زندگی آدمی برخوردار است؛ چه اینکه خدای متعال در آیه ۱۸۹ سوره بقره «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآيَاتِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» به هلال ماه به عنوان معیاری جهت احتساب زمان اشاره کرده است. برخی از دانشمندان بر این باور هستند که انسان برای انجام کارها و گذران زندگی خود، چاره‌ای جز این ندارد که کارهایش را که همه از سنخ حرکت است به زمان اندازه‌گیری کند و لازمه این نیاز، تقسیم زمان ممتد و به صورت قطعه‌های کوچک و کوچک‌تری از قبیل سال و فصل و ماه و هفته و روز است. خداوند متعال که مدبر امور بندگانش است این نیاز را از طریق حرکت سالیانه زمین به دور خورشید که حاصل آن، چهار فصل است و حرکت ماه به دور زمین که ماه‌های قمری را پدید می‌آورد، تأمین کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲: ۸۱).

اهمیت مفهوم زمان به حدی است که دانشمندان از منظرهای گوناگونی بدان پرداخته‌اند؛ برخی زمان را از طریق حرکت اثبات کرده‌اند و برخی دیگر از طریق تقدم و تأخرهای بالذات غیرقابل اجتماع. گروه زیادی آن را یک امر موهوم پنداشته‌اند و در مقابل، عده‌ای به وجود زمان در خارج قائل شده‌اند؛ حال به عرض یا جوهر. در عرض نیز گاه آن را عرض قار دانسته‌اند و گاه غیر قار، در جوهر نیز گاه آن را جوهر جسمانی دانسته‌اند و گاه جوهر مجرد و گاه واجب‌الوجود. برخی به عدد حرکات، زمان قائل شده و برخی زمان را یک حرکت از حرکات عالم گرفته‌اند (مطهری، ۱۳۷۱ش، ج ۲: ۱۸۲). گویی مفهوم رازآلود زمان هر صاحب اندیشه‌ای را به تأمل وامی‌دارد؛ اما گاهی مفاهیم برداشت شده از آن چنان بعید و غریب از هم هستند که پنداری هر یک، مفاهیم بیگانه از هم را تبیین می‌کنند. از این رو شایسته است به جست‌وجوی مفهوم زمان در کلام خالق زمان پرداخته شود.

## ۲. کاربرد زمان در قرآن

زمان در قرآن کریم به مقدار ثابت به کار نرفته است. چنانچه در آیه ۴۷ سوره حج و آیه ۵ سوره سجده، یک روز برابر هزار سال دانسته شده و در آیه ۴ سوره معارج، یک روز برابر پنجاه هزار سال گرفته شده است. در داستان عزیر پیامبر (ع) نیز که آیه ۲۵۹ سوره بقره به آن اشاره دارد، گذر زمان برای مرکب و طعام عزیر (ع) به یک میزان نبوده است. در داستان

اصحاب کهف نیز که آیات ۹ تا ۲۶ سوره کهف به آن اشاره دارد، گذر زمان برای اصحاب کهف و مردم زمانه ایشان یکسان نیست.

تأمل در این آیات که همگی به زمان اشاره دارد، پرسش جدی را ایجاد می‌کند؛ چطور ممکن است یک روز، برابر با نه هزار روز- که هزار سال باشد؟ یا بر طبق سوره معارج، یک روز، معادل حتی پنجاه هزار سال باشد؟! اگر چه این آیات در باره قیامت است؛ اما شگفت آن که شبیه همین قصه در زیست دنیایی، درباره حضرت عزیر (ع) اتفاق افتاده است.

تفاوت زمان در مصحف شریف، سؤالاتی در ذهن ایجاد می‌کند که این مقاله در پی پاسخ‌گویی به آنهاست. ۱- در دیدگاه قرآن، زمان چه مفهومی دارد؟ ۲- تفاوت‌های ملحوظ در آیات، حاوی چه نکاتی است؟ ۳- آیا گذر زمان بر اشخاص یا اشیای مختلف، متفاوت است؟ ۴- آیا با استعانت به مفهوم قرآنی زمان می‌توان به توجیهی متفاوت از طول عمر امام عصر (علیه‌السلام) دست یافت؟

### ۳. پیشینه

مسئله «زمان» از جمله موضوعاتی است که از دیرباز توجه دانشمندان به خصوص فلاسفه و فیزیکدانان را به خود معطوف ساخته و موجب خلق آثار متعددی در این زمینه شده است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «متفکران یونانی» اثر گمپرتس اشاره کرد که نویسنده در بخشی از این کتاب به بیان نظر ارسطو، فیلسوف یونانی درباره زمان می‌پردازد (گمپرتس، ۱۳۷۵ش، ج ۳: ۳۶۸). از میان دانشمندان اسلامی نیز، افراد نامداری از جمله ابن سینا در بخشی از کتاب طبیعیات شفاء و ملاصدرا در کتاب اسفار به مسأله زمان پرداخته‌اند (ابن سینا، ۱۳۶۱ش: ۸۴؛ صدرالمآلهین، ۱۳۸۹ش، ج ۳: ۲۰۰). در دوران معاصر نیز اندیشمندانی هم چون مرتضی مطهری و ابراهیمی دینانی در این موضوع قلم‌فرسایی کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۵ش؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۳ش). در میان دانشمندان غربی نیز آثار متعددی در این رابطه نگارش یافته است. از آن جمله می‌توان به کتاب «مفهوم زمان» اثر مارتین هایدگر و کتاب «درباره زمان» اثر فرانک ادم اشاره کرد (هایدگر، ۱۳۸۴ش؛ ادم، ۱۳۹۸ش).

با وجود آثار متعددی که در علم فلسفه و فیزیک درباره مفهوم زمان به نگارش درآمده است، آثاری که به طور مستقل به مفهوم زمان در قرآن پردازد و نظر قرآن را در این مسأله جویا شود به جز تفاسیری که به مناسبت آیاتی که به این موضوع اشاره دارد

(طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷: ۱۴۲؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۳۲۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۳۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۳۸۵؛ مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۱۷: ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴: ۳۸۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۳۳۸) و مقالاتی معدود، اثری در این زمینه تا حد احصاء یافت نشد.

از جمله این مقالات محدود می توان به مقاله «قرآن و دانش: نسبت زمان در قرآن» اثر مرتضی دانشمند در سال ۱۳۸۲ش، اشاره کرد که نویسنده در آن سعی دارد با بهره گیری از علم فیزیک نسبت زمان را در آیات قرآن ثابت کند. او معتقد است بر خلاف تصور پیش تر انسان ها مدت زمان باقی مانده تا قیامت با استشهاد به آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره طه حداکثر ده روز است.

مقاله «زمان در قرآن» از مرتضی براتی و همکاران در سال ۱۳۹۵ش، پژوهشی دیگر در این زمینه است که در آن نویسندگان زمان را جلوه ای از جلوات وجود و به تبع آن امری تشکیکی می دانند که از فرد به فرد تفاوت دارد و جلوه تام این تفاوت در احوال مؤمن و کافر در جهان آخرت مشاهده می شود.

مقاله «زمان از دیدگاه فلسفه، علم و قرآن» اثر هانیه ناصری پلنگرد و پروین ضیاء در سال ۱۴۰۱ش، پژوهشی مرتبط در این زمینه است که در آن به مسأله زمان بیشتر از منظر فلسفی و فیزیکی پرداخته و در تلاش است داستان اصحاب کهف را از نظر فیزیکی مورد واکاوی قرار دهد.

همان طور که مشاهده می شود، بیشتر آثاری که به مفهوم زمان در قرآن نیز پرداخته است بیش تر در حوزه دانش فلسفه و فیزیک بوده و نگارندگان تلاش کرده اند با بهره گیری از علم، به مفهوم زمان در قرآن دست یابند. این پژوهش در نظر دارد با واکاوی تمام آیات قرآن که به نوعی به مسأله زمان اشاره دارد، نظر قرآن را درباره مفهوم زمان در مجموعه آیات قرآن جويا شود و با بهره گیری از نظرات خالق زمان به این مفهوم رمزآلود نزدیک شود و در این راه از نظر مفسران قرآن که عمر خود را در آیات و روایات سپری کرده اند و از این رو به دریافت مراد الهی نزدیک تر هستند، بهره ببرد.

#### ۴. مفهوم زمان در آیات الهی

در این بخش آیات ۴۷ سوره حج، ۵ سوره سجده، ۴ سوره معارج، ۹-۲۶ سوره کهف و ۲۵۹ سوره بقره که همه با واژه «یوم» به مفهوم زمان اشاره دارد، مورد واکاوی قرار می گیرد.

بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (یحیی جهانگیری سهروردی و نسیم تیموری) ۳۱

برخی آیات مصحف شریف به صراحت به تفاوت مدت یک روز در شرایط و موقعیت‌های مختلف همچنین به تفاوت زمان بر اشیاء مختلف اشاره دارد. به منظور پرهیز از برداشت‌های ذوقی و شخصی، نظر علماء و مفسران بزرگ در این آیات مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۱.۴ اختلاف زمان در قیامت

آیه ۴۷ سوره حج و آیه ۵ سوره سجده، یک روز را معادل با هزار سال و آیه ۴ سوره معارج، یک روز را معادل پنجاه هزار سال دانسته است. در ادامه با بهره‌گیری از نظرات مفسران آیات مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۱.۱.۴ یک روز معادل هزار سال

خداوند متعال در آیه ۴۷ سوره حج و آیه ۵ سوره سجده یک روز را معادل هزار سال معرفی کرده است. ذیل آیه ۴۷ سوره حج، نظرات متفاوتی ذکر شده است که به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

«وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ».

دیدگاه اول؛ در این دیدگاه، یک روز از روزهای آخرت یا یک روز از روزهایی که خداوند آسمان‌ها و زمین را در آن آفرید برابر با هزار سال از روزهای دنیا دانسته شده است (ابن عباس به نقل از طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج: ۷؛ ۱۴۲؛ طوسی، بی‌تا، ج: ۷؛ ۳۲۶؛ حسینی‌شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج: ۹؛ ۷۱).

دیدگاه دوم؛ صاحبان این دیدگاه معتقدند که آیه ناظر به شدت و سنگینی و طولانی بودن عذاب در آخرت است به نحوی که یک روز از روزهای آخرتی معادل هزار سال از روزهای دنیوی است. همچنان که یک روز از نعمت‌های بهشت با نعمت هزار ساله این جهان برابر است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج: ۷؛ ۱۴۲؛ ابن عباس و مجاهد و عکرمه به نقل از طوسی، بی‌تا، ج: ۷؛ ۳۲۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج: ۲۳؛ ۲۳۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج: ۳؛ ۳۴۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج: ۵؛ ۳۳۸؛ حسینی‌شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج: ۹؛ ۷۱).

دیدگاه سوم؛ برخی از دانشمندان، آیه شریفه را نشان از حلم خدا در برابر مشرکانی می‌دانند که از روی استهزاء درخواست تعجیل در عذاب داشتند. این آیه بیان می‌دارد که خدایی که از بلندی و کوتاهی روز متأثر نمی‌شود و روزهای ما نزد او اندک و کوتاه نیست و روزهای

خودش نزد او طولانی و بسیار نیست، ترس از دست دادن زمان ندارد تا در عذاب آنها عجله کند بلکه او حلیم و بزرگووار است، مهلت‌شان می‌دهد تا درکات شقاوت خود را تکمیل کنند آن گاه در روزی که برایشان مقدر شده، ایشان را مؤاخذه می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷: ۱۴۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۳۸۵؛ مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۱۷: ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴: ۳۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰ش: ذیل آیه ۴۷ سوره حج؛ حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۹: ۷۱؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۳: ۶۱۳).

علامه طباطبایی که از طرفداران این دیدگاه است، این قول که مراد از آن روز، روز آخرتی باشد که برابر با هزار سال از روزهای دنیایی است و در آن کفار عذاب شوند یا منظور شدت عذاب باشد که از سختی به نظرشان هزار سال آید، به دلیل ناسازگار بودن با صدر آیه و آیه بعدی رد می‌کند. ایشان آیه «وَكَأَيُّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَّتْ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ» را متمم جمله «وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ» می‌داند به این معنا که زمان اندک و بسیار نزد پروردگار تو یکسان است؛ چرا که بسیاری از ظالمان را بعد از مهلت مؤاخذه کرده است. ایشان هم چنین جمله «وَإِلَى الْمَصِيرِ» را بیان علت تعجیل نکردن خداوند در عذاب کفار می‌داند؛ زیرا وقتی بازگشت همه به سوی اوست دیگر خوف فوت برای او تصور ندارد تا در عقاب ظالمان و کفار عجله کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴: ۳۸۹). استاد جوادی آملی با علامه طباطبایی هم عقیده بوده و اضافه می‌فرماید که صبر هزار ساله خدا به منزله صبر یک روزه است؛ زیرا که «لیس عند ربک صباح و لالمساء» زیادی و کمی، دوری و نزدیکی، همه برای او یکسان است بنابراین صبر هزار ساله برای او مثل صبر یک روزه است. ایشان نیز این احتمال را که یک روز نزد خدا به اندازه هزار سال باشد را بعید و مخالف سیاق آیه دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ج ۶: ۳۲۹).

دیدگاه چهارم؛ این دیدگاه عدم تخلف وعده الهی را مراد آیه مذکور می‌داند. به این معنا که چه در همان روزی که کفار طلب عذاب کرده‌اند، چه هزار سال بعد، بالاخره وعده الهی می‌رسد و تخلفی در آن نیست. این دیدگاه، سر تأخیر در عذاب را در مصلحت و حکمت الهی که قابل دست‌یابی برای بندگان نیست همچنین وجود مؤمنی در نسل کفار و سنت امهال می‌داند (طیب: ۱۳۷۸ش، ج ۱۳: ۳۱۵).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تفاسیر بیان شده از آیات که یا با توجه به سیاق شکل گرفته یا با بهره‌گیری از روایات ارائه شده و احتمالات متصور از آیه را در نظر خواننده شماره می‌کند، به نسبی بودن زمان و تفاوت آن در افراد همچنین اعتباری بودن مفهوم زمان اشاره دارد. توضیح



این که دیدگاه اول به تفاوت روز آخرتی با دنیوی اشاره دارد که این مطلب عدم معیار ثابت برای زمان و اعتباری و نسبی بودن آن را می‌رساند. دیدگاه دوم به تفاوت روز آخرتی برای مؤمن و کافر نظر دارد. به این معنا که آن هزارسال برای کافر هزار سال است ولی برای مؤمن به قدر چشم برهم‌زدنی می‌گذرد که این مطلب ناظر به تفاوت زمان برای افراد مختلف و شهادی بر نسبی بودن زمان است. از دیدگاه سوم و چهارم، اعتباری بودن زمان برداشت می‌شود؛ چرا که بنابر توضیح وارد شده، زمان دارای حقیقتی ثابت نیست که بلندی و کوتاهی آن برای باری تعالی مفهوم داشته باشد.

آیه دیگری که یک روز قیامتی را معادل هزار سال دانسته، آیه ۵ سوره سجده است که در ادامه احتمالات متصور از واژه «یوم» در آیه با بهره‌گیری از نظرات علماء و مفسران از نظر می‌گذرد.

– «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ».

دیدگاه نخست؛ این دیدگاه اشاره بر این دارد که ملائکه برای انجام امور عالم یا آوردن وحی در یک روز که برای افراد بشر پانصد سال راه است، فرود می‌آیند و در روزی که برای افراد بشر پانصد سال راه است، باز می‌گردند که در مجموع هزار سال می‌شود (مجاهد، ابن عباس، ضحاک، قتاده و جبائی به نقل از طبرسی: ۱۳۷۲ ش، ج ۸: ۵۱۰؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۰: ۳۷۶). برخی از دانشمندانی که نظری موافق با این دیدگاه دارند، نزول ملائک را برای آوردن امر الهی به پانصد سال راه و عروج ایشان را برای بالابردن عمل صالح به پانصد سال راه می‌دانند (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۵: ۱۴۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۶: ۳۲۱).

دیدگاه دوم؛ قائلین به این دیدگاه آیه شریفه را دال بر نهایت نفوذ اراده و امر الهی دانسته که فقره «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ» بر آن اشاره دارد. ایشان معتقدند آیات مذکور به عالم ارواح و امر در مقابل عالم اجسام و خلق نظر دارد لذا دارای نهایت نفوذ امر است (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۵: ۱۴۰). برخی از معتقدین به این دیدگاه بر این باورند که عمل هزارساله مردم در یک روز انجام می‌شود که حاصل تصرفات بیشمار الهی یا قطع مسافت بوده و نشان از قدرت و تدبیر و سعه ملکوت الهی دارد. بنابر این نظر، منظور از یوم موجود در آیه نیز ساعت فنای عالم دنیایی بوده و «الف» متهای اعداد می‌باشد و بالاتر از آن تکرار الف است، چنانچه گفته می‌شود؛ خمسه آلاف، مائه ألف، ألف بنابر این ألف می‌تواند کنایه از کثرت باشد

(مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۲۱: ۱۰۵)؛ چنانچه واژه اَلْف در آیه ۹۶ سوره بقره «يَوْمَ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعْمَرُ الف سنه» نشان از حرص یهود برای زندگی طولانی دارد، نه این که عدد حقیقی باشد؛ گرچه اگر بر معنای حقیقی خودش هم دلالت کند، جایز است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ۱۴۸).

دیدگاه سوم؛ این دیدگاه مراد از عبارت «يُعْرَجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ» را بالابردن اعمال انسان‌ها در روز قیامت می‌داند که «اَلْفَ سَنَةً» کنایه از طولانی بودن آن دارد (ثقفی‌تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ۲۸۷). به این معنا که اعمال در روزی به سوی او بالا می‌رود که از سخت‌ترین و طولانی‌ترین روزها برای گناهکاران و جنایتکاران است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶: ۱۷۸)، در مقابل برای مؤمنان کوتاه و سبک است؛ چنانچه نبی اکرم (صلوات الله علیه و آله وسلم) فرمود: به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، این روز بر مؤمن به قدر نمازی از نمازهای واجب که در دنیا می‌خواند، کوتاه و سبک می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۱۴). برخی از مفسران، عروج اعمالی که عبارت «يُعْرَجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ» بر آن دلالت دارد را مخصوص اعمال صالحه دانسته‌اند. ایشان معتقدند همان‌طور که امر الهی از آسمان نازل می‌شود، اعمالی که موافق و مطابق با آن اوامر هستند یعنی اعمال صالحه شایستگی صعود به آسمان را دارند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۱۴۰).

دیدگاه چهارم؛ این دیدگاه، عبارت «فی یوم» را بنابر سیاق، قید برای «ثم یرج الیه» دانسته و مراد از روز عروج امر را موقفی از مواقف پنجاه‌گانه قیامت می‌داند. به این معنا که مراد از سمای عالم، مقام قرب و حضور است که از حیطه زمان بیرون می‌باشد؛ بنابراین زمان نامبرده، ظرفی است که اگر با مقدار حرکت و حوادث زمینی تطبیق داده شود برابر با هزار سال از سال‌هایی است که محاسبه می‌شود (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶: ۲۴۷). جوادی‌آملی در تبیین این که این روز یکی از مواقف قیامت است این‌طور بیان می‌دارد که وقتی یک روز ربوبی به حساب روزشمار شما برابر هزار سال است و قیامت، پنجاه هزار سال است پس قیامت پنجاه مشهد و موقف بازرسی دارد و هر موقف هزار سال طول می‌کشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰ش: ذیل آیه ۵ سوره مبارکه سجده).

از آن‌چه گذشت اعتباری بودن زمان و این که حقیقتی ثابت در عالم نیست و از فرد به فرد و از عالم به عالم تفاوت می‌کند، به دست می‌آید. توضیح آن که بنا بر دیدگاه نخست مشخص می‌شود که روز آخرتی با دنیوی یکسان نیست. همان‌طور که در ذیل آیه پیش‌گفته بیان شد، این مطلب نشان از عدم معیار ثابت در حقیقت زمان و به عبارتی اعتباری بودن آن دارد. دیدگاه دوم نیز به تفاوت زمان در عالم خلق و امر توجه داده که از این مطلب نیز

بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (یحیی جهانگیری سهروردی و نسیم نیموری) ۳۵

اعتباری و نسبی بودن زمان برداشت می‌شود؛ چرا که اگر اعتباری و نسبی نبود با تغییر عوالم نباید تغییر می‌کرد. دیدگاه سوم نیز به نسبی بودن زمان برای کفار و مؤمنان نظر دارد. دیدگاه چهارم نیز به وضوح به اعتباری بودن زمان تصریح دارد به این نحو که عالم قرب را از حیطه زمان بیرون دانسته و زمان مذکور در آیه را متناسب با حرکات و حوادث عالم ماده می‌خواند.

به نظر می‌رسد با وجود نظرات به ظاهر متفاوت مفسران در ذیل دو آیه مذکور که در آن یک روز برابر با هزارسال دانسته شده، اعتباری و نسبی بودن زمان برداشت مشترکی است که در بیش تر نظرات مشاهده می‌شود.

#### ۲.۱.۴ یک روز معادل پنجاه هزار سال

آیه ۴ سوره معارج یک روز را معادل پنجاه هزار سال معرفی می‌کند، در تبیین آیه مذکور چند دیدگاه وجود دارد که به اختصار بیان می‌گردد.

«تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ».

دیدگاه نخست؛ قائلین به این دیدگاه مدت مذکور را بر طریق تقدیر و در قیامت و برای کارهایی از جمله قضاوت می‌دانند به این معنا که اگر عاقل‌ترین و زیرک‌ترین انسان‌ها بخواهد این قضاوت را در دنیا انجام دهد، پنجاه هزارسال طول می‌کشد. حال آن که خداوند متعال در نیم روزی از روزهای دنیا آن را انجام می‌دهد (جبائی، قتاده و عکرمه به نقل از طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۵۳۰؛ وهب به نقل از فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۳۹). حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: اگر غیر خدا کسی متولی حساب شود، مردم پیش از آن که از حساب راحت شوند، پنجاه هزار سال در آن توقف کنند. در حالی که خداوند سبحان در یک ساعت از حساب بندگان فارغ می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۵۳۰).

دیدگاه دوم؛ در این دیدگاه مقصود از مدت زمان نامبرده، طول عمر دنیاست. به این معنا که اول فرود آمدن فرشتگان در دنیا تا آخر بالا رفتن به آسمان در روز قیامت، پنجاه هزار سال است که جز برای خدای متعال، بر کسی معلوم نیست چه مقدار از این زمان گذشته و چه مقدار باقی مانده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۵۳۰؛ ابی‌مسلم به نقل از فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۳۹؛ حکم و عکرمه به نقل از ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹: ۴۰۵).

دیدگاه سوم؛ منظور از آیه، عروج ملائکه و روح به سوی خداوند در روز قیامت است. در این روز فرشتگان به امر خداوند متعال از پایین‌ترین درجات زمین تا بالای آسمان هفتم، در روزی که مقدارش برای غیر ایشان پنجاه هزار سال است، عروج می‌کنند (مجاهد به نقل از طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۵۳۰؛ وهب به نقل از فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۳۹؛ محمدبن اسحاق به نقل از ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۴۰۴؛ مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۲۹: ۶۷). برخی از مفسران بر این باورند که خداوند روز قیامت را برای کافران برابر با پنجاه هزار سال قرار داده است؛ چنانچه برای مؤمن بنا بر روایتی که گذشت به قدر نمازی از نمازهای واجب کوتاه و سبک است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۲۳۷). بنا بر سیاق، آیات مربوط به روز قیامت است که طول روز در آن برابر با پنجاه هزار سال از روزهای دنیایی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷: ۲۰). برخی از مفسران معتقدند فرشتگان با سرعتی بالاتر از سرعت صوت حرکت می‌کنند؛ چه این که برخی از ستارگان میلیون‌ها سال پیش خاموش شده‌اند، ولی هنوز نورشان به زمین نرسیده است، با این که سرعتی برابر ۳۰۰ هزار کیلومتر بر ثانیه دارند. بنا بر این فرشتگان سرعتی چندین برابر سرعت نور دارند (مغنیه ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۴۱۴). در بیانی دیگر ذیل این دیدگاه، آن روز هم می‌تواند ظرف معاد باشد، هم ظرف عروج ملائکه و روح به طرف ذات اقدس الهی، به این معنا که اگر ملائک و روح بخواهند به بارگاه الهی برسند و دستور بگیرند، پنجاه هزار سال طول می‌کشد و روز قیامت هم پنجاه هزار سال است. حال معلوم نیست، پنجاه هزار سال دنیایی است که هر سال، سیصد و شصت و اندی روز است یا پنجاه هزار سال ربوبی که بنا بر آیه ۴۷ سوره حج «إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» هر روز نزد پروردگار برابر با هزار سال دنیایی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰ش: ذیل آیه ۴ سوره معارج).

دیدگاه چهارم؛ مراد از مدت زمان مذکور، موقف حساب است. برخی از مفسران معتقدند آیه مربوط به روز قیامت است که در آن پنجاه موقف است که هر موقف، هزار سال طول می‌کشد (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲: ۳۸۶، حسن و یمان به نقل از ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹: ۴۰۵) یا به این معنا که اگر حساب انسان‌ها را غیر از خداوند متعال رسیدگی می‌کرد، این میزان به طول می‌انجامید (کلبی، به نقل از ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹: ۴۰۵). این دیدگاه «فی یوم» را صله «تعرج» می‌داند که در نتیجه آن، عروج در روز قیامت بوده که طول آن پنجاه هزار سال است؛ البته نه به این معنا که طول روز تنها این مقدار باشد که در این صورت غایت و انتهایی دارد که در نتیجه آن باید بهشت و جهنم در آن غایت فانی شود و این جایز نیست. مراد از آیه، موقف حساب است که پنجاه هزار سال دنیایی طول می‌کشد و بعد از

بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (یحیی جهانگیری سهروردی و نسیم تیموری) ۳۷

آن اهل آتش در درکات آتش مستقر می‌شوند. بنابر نظریه‌ای ممکن است این مدت تنها برای کافر باشد؛ چرا که بنابر آیه ۲۴ سوره فرقان «اصحاب الجنة یومئذ خیر مستقراً و أحسن مقیلاً» اهل بهشت در بهترین جایگاه قرار دارند. این تصور که این مواقف برای اهل جنت موجب سرور و برای اهل نار موجب حزن و غم است، درست نمی‌باشد؛ زیرا دار الثواب، بهشت است نه موقف! پس طول موقف مختص کفار است (الحسن به نقل از فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۶۳۹).

همان‌طور که مشاهده شد مفسران در توجیه تفاوت زمان‌های به کار رفته در آیات قرآن مطالب مختلفی بیان کرده‌اند که برخی از مطالب به غایت متفاوت و برخی قابل جمع است. نکته قابل اصطیاد از تمامی مطالب وارد شده، تفاوت زمان در شرایط متفاوت است که گاه یک روز برابر هزار روز و گاه برابر پنجاه هزار روز دانسته شده است. افزون این که در روایات و تفاسیر متعدد، طولانی بودن زمان مختص کافران دانسته شده است. این امر در کنار به‌کاررفتن «کاف» تشبیه و لفظ «مما تعدون» نشان از بی‌زمانی روز قیامت و اعتباری بودن زمان دارد. گویی معیاری حقیقی برای سنجش زمان وجود نداشته و برای تقریب به ذهن با حساب روزهای دنیایی که ساخته دست بشر و اعتباری است، محاسبه می‌شود. اگر جز این بود چه نیازی به آوردن «کاف» و «مما تعدون» وجود داشت؟ استعمال کلمات نامبرده نشان از حقیقتی دارد و نظریه بی‌زمانی عالم غیرمادی را محتمل می‌سازد.

اعتباری بودن زمان و تعلق آن به عالم مادی، به کار رفتن زمان‌های متفاوت برای روزی واحد و افرادی متفاوت در کنار آیه‌ای که در ادامه می‌آید، نظریه تفاوت زمانی بر امور و اشیاء مختلف را تأیید می‌کند. چه این که برخی از دانشمندان بر این باورند که به تعداد حرکات موجود در جهان، زمان وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۴۶).

## ۲.۴ اختلاف زمان در دنیا

آیات ۹-۲۶ سوره کهف با اشاره به داستان اصحاب کهف و آیه ۲۵۹ سوره بقره با اشاره به داستان عزیر پیامبر (ع) به تفاوت زمان در دنیا و بر اشیاء مختلف اشاره دارد. در ادامه، ابتدا به اختصار نکاتی از داستان اصحاب کهف سپس با تفصیل بیشتری داستان عزیر پیامبر (ع) از نظر می‌گذرد.

#### ۱.۲.۴ گذر زمان بر اصحاب کهف

آیات ۹-۲۶ سوره کهف به داستان اصحاب کهف اشاره دارد که به منظور اختصار تنها به آیه ۱۹ که با به کارگیری واژه «یوم» به مسأله زمان اشاره دارد، پرداخته می‌شود. بخشی از آیه ۱۹ «وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ» اشاره به پرسش یکی از اصحاب کهف از مدت مکث‌شان می‌کند. در پاسخ برخی این درنگ را یک روز یا قسمتی از یک روز دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۳ش، ج ۶: ۷۰۵؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۸: ۳۳۷) و برخی که از معرفت بالاتری برخوردار بودند، با ارجاع علم آن به خداوند، اظهار بی‌اطلاعی کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۳: ۲۶۰). این آیه نشان از آن دارد که ایشان تغییری در ظاهر جسمانی خود از مو و ناخن و صورت و بدن‌های‌شان، همچنین پوشش خود مشاهده نمی‌کردند. در غیر این صورت پرسش از مدت درنگ بی‌معنی بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۳: ۲۵۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۱۱۳). البته برخی از مفسران معتقدند چون ایشان بلندی ناخن‌ها و موهای خود را مشاهده کردند، علم مدت اقامت خویش را به خدا نسبت دادند (حسینی‌شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۸: ۲۹). در هر صورت ظاهر ایشان تغییر محسوسی نکرده بود که نمایانگر گذر زمانی به درازای چند قرن باشد، این در حالی است که آیه ۲۵ همین سوره «وَلْيَتَّوَفَّا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» مدت اقامت ایشان را سیصد سال به حساب سال شمسی و سیصد و نه سال به حساب سال قمری بیان می‌دارد، زیرا تفاوت سال قمری با شمسی، در هر صدسال، سه سال است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۱۱۹؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۸: ۳۴۳).

تصریح آیه به کوتاهی مدت درنگ برای اصحاب کهف و طولانی بودن این مدت برای مردم زمانه ایشان، منافاتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا مقام و غرض هر یک با دیگری تفاوت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۳: ۲۷۵). به عبارت دیگر، در پی غرض خداوند متعال، گذر زمان برای اصحاب کهف با گذر زمان برای مردم آن دوران تفاوت کرده است.

#### ۲.۲.۴ گذر زمان بر عزیر پیامبر (ع)

آیه ۲۵۹ سوره بقره «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ

بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (یحیی جهانگیری سهروردی و نسیم تیموری) ۳۹

كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» آیه‌ای قابل تأمل در اثبات اختلاف زمان بر اشیا متفاوت است.

بنا بر تصریح آیه، طعام و شراب (نوشیدنی) که به فساد و خراب شدن سزاوارتر است، تغییری نکرده ولی مرکب که دیرتر فاسد و متلاشی می‌شود از بین رفته است. ضمن این که زمان برای عزیر پیامبر (ع) یک روز یا نیم‌روزی بوده ولی برای مردم دیگر صد سال بوده است؛ چنانچه وارد شده که عزیر (ع) وقتی به اذن خدا به دنیا بازگشت پسرش صد و هجده ساله و کنیزش، صد و بیست‌ساله شده بود (حسینی‌شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۴۷۳).

نکته قابل تأمل در آیه آن است که خداوند متعال از تعبیر «لَمْ يَتَسَنَّهْ» در عبارت «... فَأَنْظُرُ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ...» استفاده می‌کند. عبارت «لَمْ يَتَسَنَّهْ» از حرف «لم» که از ادات نفی و جازم بوده و بر سر فعل مضارع وارد و آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند (شرتونی، ۱۴۰۰ش: ۱۷۴) و فعل «يَتَسَنَّهْ» از ماده «السَّهَّ» تشکیل شده است. در واژه «السَّهَّ» دو دیدگاه وجود دارد؛ اول آنکه از «سنهه» یا مصغر آن «سَنِهَه» به معنای سالیانه باشد. چنانچه می‌گویند: «سَأَهَّتْ فُلَانًا» یعنی همه ساله با او داد و ستد کردم (حسینی‌زبیدی‌واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹: ۴۹). دوم آنکه از «سنه» واوی باشد که جمع آن «سنوات» بوده و بیشتر برای سال‌های خشکی به کار می‌رود. چنانچه وقتی گفته می‌شود «أَسْنَتَ الْقَوْمُ» یعنی قحطی زده شد. برخی از اهل لغت دومی را مشهورتر می‌دانند (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳۴۴). در هردو صورت، اهل علم آیه را اینطور معنا کرده‌اند که با گذشت سال‌ها بر او تغییر نکرده و طراوتش نرفته است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۲۲۳۵؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶: ۳۴۸؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۲۹). وقتی گفته می‌شود «طَعَامٌ سَنَهٌ» یعنی طعامی که بر او سال گذشته است. «سَنَهٌ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ سَنَهًا وَ تَسَنَّهٌ» یعنی طعام و شرابی که تغییر کرده است. قول خداوند متعال که می‌فرماید: «فَأَنْظُرُ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ» یعنی در مرور سال‌ها تغییر نکرده است (ابن‌منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۳: ۵۰۳). گرچه بیشتر اهل لغت و مفسران از معنای اصلی واژه گذشته و آن را به عدم تغییر و تبدل تفسیر کرده‌اند (مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۳: ۲۳؛ مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲: ۲۹۸)؛ اما توجه به معنای خود واژه نکاتی را روشن می‌سازد که از جمله آن می‌تواند عبور نکردن سال بر طعام و شراب عزیر (ع) بر خلاف مرکب او باشد.

به خصوص که دانشمندان و مفسران علاوه بر این که آیه شریفه را که دلیلی بر قدرت بی‌زوال الهی برای زنده کردن مردگان در روز قیامت (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۵۲۷؛

مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۳: ۲۵) همچنین امکان و صحت رجعت مؤمنان پس از ظهور به این استدلال دانسته‌اند که اگر زنده شدن و رجعت به دنیا بعد از مرگ محال بود برای عزیر پیامبر(ع) پیش نمی‌آمد، چنانچه آیه مذکور بر آن به صراحت دلالت داشته و غیرقابل انکار است (حسینی شاه‌العظیمی: ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۴۷۲؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۳: ۳۱)، آیه مذکور را توجیهی بر طول عمر شریف حضرت حجت (علیه‌السلام) دانسته‌اند؛ زیرا وقتی طعام و شرابی که به سرعت تغییر کرده و فاسد می‌شود به قدرت لایزال الهی، صد سال از تغییر و تبدیل حفظ می‌شود، حفظ وجود مبارک امام زمان (علیه‌السلام) از تأثیر آثار طبیعی در کنف حمایت خداوند متعال دور از ذهن و بعید نیست. افزون این که آنچه در افزایش عمر اثر دارد، زمان نیست بلکه فعل خداوند متعال است. گرچه عادت بر این تعلق گرفته که گذر زمان مؤثر در افزایش عمر باشد ولی عادت تحت قدرت خداوند بوده و بنابر مصلحت عمرهای طولانی، محال نیست (حسینی شاه‌العظیمی: ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۴۷۲).

افزون آن که اگر به تعداد حرکات موجود در جهان، زمان وجود دارد، چنانچه برخی از دانشمندان بدان معتقدند (طباطبایی، ۱۳۶۸ش، ج ۴: ۱۴۶؛ مطهری، ۱۳۷۱ش، ج ۲: ۱۸۲)، این احتمال دور از ذهن نیست که گذر زمان بر امام عصر (علیه‌السلام) متفاوت از سایر مخاوقات باشد، همانطور که در اخبار آمده است که پس از ظهور، یاران امام زمان (علیه‌السلام) با سرعتی خارق‌العاده، زمین را طی کرده و فرامین الهی را اجرا می‌کنند (نیشابوری، ۱۳۶۸ش، ج ۲: ۲۶۳؛ سیدابن طاووس، ۱۳۹۸ق: ۱۴۶؛ سلمی شافعی، بی تا: ۶۵؛ متقی‌هندی، ۱۴۱۳ق: ۱۴۵) پس به طریق اولی امام (علیه‌السلام) نیز از این توانایی بهره‌مند بوده و در یک چشم بر هم زدنی شرق و غرب عالم را طی می‌کنند. به دلیل این تفاوت حرکت، زمان طی شده از حضرت بسیار کم‌تر از افراد عادی خواهد بود.

امروز این واقعیت با نظریه «اتساع زمان» آلبرت اینشتین در سال (۱۹۰۵م) ثابت شده است که اگر فردی با کسری از سرعت نور حرکت کند، زمان برایش نسبت به شخص ساکن، کندتر خواهد گذشت. این مطلب که به «پارادوکس دوقلوها» (Twin Paradox) معروف است بیان می‌دارد که ناظر ساکن عمر بیشتری داشته و روند پیر شدن در آنها یکسان نیست (میرزایی، ۱۳۹۵ش: bigbangpage. Com؛ عوض‌زاده، ۱۴۰۰ش: blog.faradars. org).

برایان گرین در «کتاب جهان زیبا»، سه تناقض اساسی که بین نظریه‌های فیزیکی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بوجود آمده را بیان و در توضیح تناقض بین نسبیت عام اینشتین و کوانتوم مکانیک می‌گوید که اگر فردی در فضا با کسری از سرعت نور سفر کرده و



بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (بحی جهاگیری سهرودی و نسیم تیموری) ۴۱

بعد از دقایقی به زمین برگردد، بر روی زمین چندین سال سپری شده است (گرین، ۱۴۰۱ش، فصل اول از بخش دوم).

## ۵. نتیجه گیری

دانشمندان و فلاسفه بسیاری در طول تاریخ به مفهوم زمان پرداخته‌اند و هر یک تلاش کرده‌اند، گوشه‌ای از این معمای پیچیده را کشف نمایند. این مقاله تلاش کرده است با تمسک به آیات الهی به درکی نو از زمان نایل شود. آیات متفاوتی از جمله آیه ۴۷ سوره حج و آیه ۵ سوره سجده و آیه ۴ سوره معارج به اختلاف زمانی در قیامت اشاره دارد؛ چنانکه برخی یک روز آخرتی را برابر هزار سال و برخی برابر پنجاه هزار سال بیان کرده است. تفاسیر و تعبیر متفاوتی از سوی مفسران و اهل علم در ذیل آیات نامبرده وارد شده است که ماحصل آنها اعتباری و نسبی بودن زمان است. یکی از پرتکرارترین تبیین‌ها که روایات نیز بر آن دلالت دارد، تفاوتی است که گذر زمان با وجود هزارسال یا پنجاه هزار ساله بودن آن بر شخص کافر و مؤمن دارد. به این معنا که همان یک روزی که هزار سال یا پنجاه هزار سال دانسته شده برای کفار به همین میزان ولی برای مؤمن به اندازه نماز واجبی کوتاه می‌شود.

آیات دیگری که بر اختلاف گذر زمان در همین دنیا دلالت دارد، آیه ۱۹ سوره کهف و ۲۵۹ سوره بقره است. داستان اصحاب کهف و تعبیر به کار برده شده در آیات بر این اشعار دارد که گذر زمان بر یاران غار و مردم زمانه ایشان یکسان نبوده و نسبت به هر یک متفاوت است. آیه ۲۵۹ سوره بقره نیز به این حقیقت اشاره دارد که گذر زمان بر عزیر پیامبر(ع) و بر طعام و شراب او با مرکب او متفاوت است. تعبیر «لم یتسنه» که خداوند متعال برای طعام و شراب او به کار گرفته می‌تواند حاوی این نکته باشد که زمان بر طعام و شراب او گذر نکرده ولی بر مرکب او گذر کرده است. شاید بتوان طول عمر حضرت حجت (علیه‌السلام) را نیز با این دید توجیه کرد که زمانی که بر خلایق گذر کرده به اراده باری تعالی بر ایشان گذر نکرده است، همچنان که بر مردم زمان عزیر پیامبر(ع) گذر و بر او گذر نکرد و باز همچنان که بر مردم زمان اصحاب کهف گذر و بر ایشان گذر نکرد. این برداشت زمانی تقویت می‌شود که دانشمندانی به این نکته دست یافته‌اند که به تعداد حرکات در عالم - که هر شیء یک حرکت دارد - زمان وجود دارد.

گویا آنچه‌ان که قیامت، محل تجلی عریان حقیقت است و زمان در آن جلوه دیگر دارد و گذر آن بسته به شرایط و افراد، متفاوت است، در این دنیا نیز گوشه‌ای از آن به نمایش گذارده شده که «المجاز قنطره الحقیقه».

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی  
ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۳ش)، معمای زمان و حدوث جهان، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۱ش)، طبیعیات شفا، ترجمه: محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق)، التحرير و التنوير، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
- براتی، مرتضی؛ داداش‌نژاد، داود؛ پریمی، علی (۱۳۹۵ش)، زمان در قرآن، آیین حکمت، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۷-۳۱.
- تقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ش)، روان جاوید، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش)، تفسیر تسنیم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، سید حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات.
- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد (ابوالفتوح رازی) (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق)، المنار، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- دانشمند، مرتضی (۱۳۸۲ش)، قرآن و دانش: نسبت زمان در قرآن، مجله بشارت، شماره ۳۵.
- سیدابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۸ش)، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المتظر (عج)، قم: منشورات شریف الرضی.

## بررسی مفهوم «زمان» در قرآن کریم ... (بحی جهانگیری سهروردی و نسیم تیموری) ۴۳

- سلمی شافعی، یوسفین یحیی (بی تا)، عقد الدرر فی اخبار الممتظر، قاهره: عالم الفکر.
- شرتونی، رشید (۱۴۰۰ق)، مبادئ العربیه فی الصرف و النحو، تهران: اساطیر.
- شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا) (۱۳۹۸ش)، اسفار اربعه، ترجمه و تصحیح: حسن حسن زاده آملی، چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی التفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، ناشر: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۸ش)، اصول فلسفه و رئالسم، تهران، انتشارات صدرا.
- طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، بدایه الحکمه، قم، انتشارات طباطبایی.
- طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، نهایت الحکمه، قم، مرکز الطباعه و النشر فرع دارالتبلیغ الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله؛ رسولی، هاشم، چاپ سوم، تهران، ناشر: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد علی (۱۳۷۵ش)، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر عیاشی، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- عوض زاده، مجید (۱۴۰۰ش)، اتساع زمان - آیا سفر در زمان امکان پذیر است؟، سایت فرادرس: [blog.faradars.org](http://blog.faradars.org)
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرانک، آدم (۱۳۹۸ش)، درباره زمان، مترجم: رضا آقازاده، تهران: انتشارات مازیار.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر قمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ش)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- گرین، براین (۱۴۰۱ق)، جهان زیبا، مترجم: مازیار نوعی، تهران: پارسینک.
- گمپرتس، تئودور (۱۳۷۵ش)، متفکران یونانی، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ناصری پلنگرد، هانیه؛ ضیاء، پروین (۱۴۰۱ش)، مسئله زمان از دیدگاه فلسفه، علم و قرآن، دومین کنفرانس علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی، منچستر، انگلستان.
- نیشابوری، محمد بن قتال (۱۳۶۸ش)، روضه الواعظین، قم: انتشارات الرضی.
- متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۳ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مراغی، احمد مصطفی (۱۳۷۱ق)، تفسیر مراغی، بیروت: دارالفکر.

۴۴ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱ش)، حرکت و زمان، انتشارات: حکمت، تهران.  
مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، قم، ناشر: دار الکتب الاسلامی.  
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
میرزایی، امین (۱۳۹۵ش)، اتساع زمان چیست؟، سایت علمی بینگ‌بنگ: [bigbangpage.com](http://bigbangpage.com).  
هایدگر، مارتین (۱۳۸۴ش)، مفهوم زمان، مترجم: نادر پورنقشبند و محمد رنجبر، تهران: پرسش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی